

یادداشت
علیرضا عنایتی | اسفیر جمهوری اسلامی ایران در عربستان

تهران-ریاض و فرصت های فراوان همکاری

سال ۱۴۳۳ سال توسعه سیاست همبستگی و پیشرفت مناسبات ایران و کشورهای خلیج فارس بود؛ تغییر دولت سیزدهم به دولت چهاردهم که در پی شهادت حضرت آیت الله رئیسی صورت گرفت و روی کار آمدن دکتر پزشکیان تغییری در این سیاست ایجاد نکرد.

اساسا راهبرد جمهوری اسلامی ایران توسعه مناسبات با همسایگان در زمینه های مختلف سیاسی، امنیتی اقتصادی، تجاری و فرهنگی و سایر ابعاد مناسبات رقم می خورد، از جمله موارد بسیار مهم و ضروری که به عنوان زیرشاخه کار اقتصادی و تجاری همواره مدنظر است، موضوع ترانزیت و راه های حمل و نقل و کریدورهایی است که ایران را به عنوان قلب ترانزیت مطرح می کند، کریدور شمال به جنوب یا کریدور عشق آباد و راه های شرق به غرب توسعه همکاری های اقتصادی و تجاری منطقه را تقویت می کند.

ایران در سال جاری به این موضوع اهمیت بیشتری بخشید و دیدگاهی مبتنی بر رویکرد همگرایانه اقتصادی را درخصوص صنعت حمل و نقل و توسعه کریدورها مد نظر و مورد توجه قرار داد. ما مشابه این راه ها و کریدورها را در کشورهای همسایه خودمان می بینیم و اتصال این نقاط کریدوری و راه های حمل و نقل می تواند به شکوفایی تجارت در منطقه منتهی شود.

در سال ۱۴۳۳ مناسبات ایران با عربستان سعودی توسعه یافت؛ وزرا و مسئولان متعددی برای حضور در نشست های منطقه و بین المللی به عربستان آمدند و با همکاران خود دیدار کردند؛ در این دیدارها از جمله دیدار معاون اول محترم رئیس جمهور با ولیعهد عربستان شاخص مهمی برای بیان دیدگاه های دو کشور در توسعه مناسبات بود؛ جناب آقای دکتر عارف در این سفر تاکید کردند که روابط ایران و عربستان به پیش می رود و بازگشت پذیر نیست، دیدگاه های ایران و عربستان در زمینه های سیاسی و همکاری های منطقه ای همواره مورد توجه بوده است.



ازجمله زمینه هایی که ایران وعربستان همکاری نزدیکی با یکدیگر صورت دادند موضوع حمایت از فلسطین و مردم مظلوم غزه بود؛ در نشست های مختلفی که از سوی سازمان همکاری اسلامی صورت گرفت، ایران در برخی مقاطع مبدع تشکیل این جلسات بود و در تمامی آنها حضور فعال برای تقویت حمایت از مردم فلسطین، مبارزه با اشغالگری، مخالفت با کوچ اجباری و اجرای برخی از تعهدات سازمان های بین المللی و به طور کلی محکومیت اشغالگری اسرائیل در دستور کار ایران بوده است.

ما و عربستان در سال ۱۴۳۳ اقدامات مهمی را صورت دادیم؛ از جمله برقراری پرواز مستقیم بین دمام ومشهد یا استفاده از فرودگاه طائف برای انتقال عمره گزاران ایرانی و سایر موارد کارهای زیادی انجام شده است ولی همچنان زمینه فعالیت ایران و عربستان فراختر و فرائتر از آن چیزی است که صورت گرفته است. ما به یک همکاری گسترده و عمیق می اندیشیم و ایران و عربستان می توانند با همکاری یکدیگر به صلح و ثبات منطقه کمک کنند. همچنین در سال جاری اولین نشست وزیر خارجه ایران با کشورهای عضو شورای همکاری در دوحه برگزار شد و این نخستین نشست هفت جانبه ایران و کشورهای خلیج فارس است که در دهه های متمادی صورت می گیرد.

ما همچنان در بخش دوجانبه و چندجانبه به این همکاری ها برای توسعه و ثبات منطقه چشم دوخته ایم و اطمینان داریم که کشورهای منطقه با تاکید بر امنیت درونزا و همکاری های جمعی فی مابین بدون تأثیرپذیری از متغیر یا متغیرهای خارجی ودخالت بیگانگان، می توانند سرنوشت خود را رقم بزنند.

خالد قدومی، نماینده جنبش حماس در ایران در گفت وگوی اختصاصی با روزنامه «جام جم» مطرح کرد

توافق ابراهیم به کمارفته است



کنیم. با این حال در این مسیر با پیچیدگی هایی هم مواجه هستیم ولی اسرائیل و ترامپ راه دیگری ندارند، جز اذعان به اراده مردم و اراده جهان. در این بین، لازم به یادآوری است که طرح آقای ترامپ درخصوص کوچ مردم غزه نیز مضحک است.

سعودی علیه اسرائیل موضع سیاسی بسیار قوی دارد و حتی درباره طرح اخبر آقای ترامپ نیز موضع گرفته است. البته من نمی گویم که موضع گیری های سیاسی به طور کلی عوض شده ولی حداقل شرایط جدیدی را شاهد هستیم.

ایران بعد از انقلاب ۱۳۹۷ تا به امروز پشتیبان مقاومت بوده و حمایت های معنوی و دیپلماتیک خودش را در سطح بین المللی همیشه از فلسطین داشته است. اکنون روابط حماس و ایران را چگونه ارزیابی می کنید؟

این مساله را می توان به یک سفر طولانی تعبیر کرد. برای نمونه، در آغاز ایرانی ها به دلیل مظلومیت و مواجهه با ظلم و استکبار از فلسطینیان حمایت می کردند. بعد از آن سراغ ادبیات مشترک و مواجهه با رژیم صهیونیستی حرکت کردیم. در ادامه به بحث مسائل بحرانی منطقه رسیدیم. البته در این مسیر اختلافاتی خانوادگی و درحد حفظ خانواده بوده است. درواقع، این اختلافات به شکلی باعث تقویت این روابط شده و ما فهمیده ایم با یکدیگر قوی هستیم. اکنون نیز ما رسیده ایم به مساله آینده مشترک. امروز از روابط راهبردی برخوردار هستیم. به عبارت دیگر، می توان گفت رابطه ما عقیدتی، انسانی، عدالتی، فرهنگی، سیاسی، دیپلماسی و امنیتی است. بنابراین روابط ما خیلی راهبردی شده است و ان شاء الله برنامه های مشترکی طراحی می کنیم که سبب بهبود وضعیت مردم ما و منطقه خواهد شد.

شاهد بوده ایم که خیلی از رهبران حماس در سطوح مختلف به شهادت رسیده اند. حماس چقدر توانسته خودش را بازسازی کند و اکنون در چه جایگاهی است؟ آیا به زندگی عادی بازگشته است؟

هنوز به مفهوم زندگی عادی برنگشته ایم، زیرا دشمن ما هنوز وجود دارد. ولی بازسازی داخلی، سیاسی و نظامی تا حدودی انجام شده است. درواقع، ما با خلل مدیریتی مواجه نیستیم. ولی خسارت های خیلی بزرگ انسانی و مادی داشته ایم که برای جبران آن باید کمک جهانی بگیریم.

مذاکرات را برای بازسازی غزه یا دیگر اهداف با تشکیلات خودگردان خواهید داشت؟

دشمن ماناپت کرد که فرقی بین حماس، فتح وجهاد اسلامی نمی گذارد. مشکل ما مسائل تشکیلات امنیتی کرانه باختری است که باید آن را برطرف کنیم. درواقع، باید بدون دخالت اسرائیل یا دیگر نیروهای بیگانه، این مشکلات را برطرف کنیم. فراموش نکنیم که اکنون چهره اصلی دشمن آشکار شده است.

رژیم از لحاظ امنیتی، سیاسی، دیپلماسی و حتی در سطح روایت نیز شکست خورد و این از موفقیت های طوفان الاقصی است. این درحالی بود که آنها از نابودی کامل مقاومت سخن به میان آورده بودند اما در زمان تبادل اسرا موفقیت، ثبات و استقامت مردم فلسطین را شاهد بودیم و پیروزی مکتب فکر مقاومت علیه رژیم صهیونیستی را مشاهده می کنیم. حتی خود رهبران اسرائیلی نیز اعتراف کرده اند که حماس دوباره به میدان نظم بخشیده است، چون نیروی پلیس، ایجاد شده و نیروهای مدنی نیز مشغول فعالیت هستند. علاوه بر این، تیم هایی نیز برای احیای نهادهایی مانند وزارت آموزش و پرورش، بهداشت و کشاورزی تشکیل شده است. به این ترتیب، مردم ما ثابت کردند که اسرائیل، ظالم، کودککش و جنایتکار است و ما می توانیم با آن مواجه شویم. دربرابرش ایستادگی کنیم و پیروز شویم.

اشاره کردید که بین دولت مردان غربی و مردم، شکاف ایجاد شده است. یعنی افکار عمومی از فلسطین حمایت می کند اما دولت ها از رژیم صهیونیستی. به نظر تان این شکاف چگونه ایجاد شد؟

اطلاع رسانی درخصوص جنایات رژیم صهیونیستی، مثل انتشار عکس در شبکه های اجتماعی به این مساله کمک کرد. درواقع، ما به وکیل خوب نیاز نداریم بلکه انتشار وقایع میدانی حقیقت را آشکار کرده است. این درحالی است که دشمن ما سیاست سخنگیرانه ای درخصوص رسانه ها دارد. در غرب، اصحاب رسانه نمی توانند به مسائل غزه بپردازند. اسرائیلی ها تلاش می کنند تا حقایق میدانی منتشر نشود اما برخلاف این شرایط، جوانان غزه برای انتشار تصاویر و وقایع تلاش می کنند. لازم به یادآوری است که در اوایل هفتم اکتبر، غرب علیه حماس یک پروپاگاندا رارتیب داد که همه آنها اتهامات دروغینی بود. این درحالی است که گزارش تفصیلی هاآرتس و نیویورک تایمز نیز علیه روایت اسرائیلی هاست. باید توجه داشت که اسرائیلی ها حداقل ۲۰۵ خبرنگار را نیز شهید کرده اند.

به بازسازی غزه اشاره کردید و این که کارشکنی هایی ممکن است در این مسیر انجام شود. راهبرد حماس در برابر فشار حداکثری اسرائیل و کارشکنی ها چیست؟

برنامه ما از روز اول و حتی قبل از تفاهمات آتش بس این بود که حلقه تصمیم گیری را گسترش دهیم و از کشورهای منطقه و حتی دیگر کشورهای جهان نیز برای بازسازی غزه استفاده

فلسطینی شرایط را بررسی کرده ایم و می خواهیم غزه را بازسازی کنیم. اصراری نداریم که حتما در دولت آینده حضور باشیم. درواقع، به دنبال ایجاد یک حکومت مدیریتی تکنوکرات هستیم تا به این شکل غزه بازسازی شود و شرایط برای برگزاری انتخابات فراهم شود. لازم به یادآوری است که هفتم اکتبر نشان داد ما می توانیم واقعیت جدیدی را بسازیم. بنابراین برای بازسازی غزه، مدیریت غزه، آماده سازی شرایط برای برگزاری انتخابات و تحرکات دیپلماسی و سیاسی برنامه داریم و باید به اراده مردم غزه احترام گذاشت.

عنوان یک پروژه غربی برای استعمار نو تأسیس شد اما امروز به هیچ عنوان نمی تواند منافع غربی ها را حفظ کند. به عبارت دیگر، این روزها نتانیاهو علیه منافع غربی ها شده است و غربی ها نتوانستند افکار عمومی خود را به نفع اسرائیلی ها تغییر دهند. به همین دلیل، جوانان غربی با این

پریش مواجه اند که اسرائیل چیست؟ چون این رژیم مرتکب جرایم جنگی و جنایت علیه حقوق بشر می شود و جوانان غربی می پرسند چرا باید از این رژیم حمایت کرد. مساله دیگر این که این روزها سربازان رژیم صهیونیستی نمی توانند آزادانه هرجا خواستند بروند، چون در آفریقای جنوبی علیه آنها رای داده شده است و در دادگاه های بین المللی رهبران اسرائیل را به عنوان مجرمان جنگی و جنایتکار اعلام کرده اند.

این درحالی است که مردم آفریقای جنوبی مسلمان و عرب نیستند اما با این حال، توفیق خدا با آنهاست.

در این خصوص می توان گفت آنها وجه مشترکی با فلسطینیان دارند. برای نمونه، هر دو طعم آپارتاید را چشیده اند.

این درست است اما دربرزیل نیز شرایط به همین شکل است. حدود یک ماه پیش، یک سرباز مجرم رژیم صهیونیستی که با یک پر شهدای غزه عکس گرفته و در شبکه های اجتماعی منتشر کرده بود، دستگیر شد و به او گفتند که جنایتکار جنگی است. این اتفاقات انزوا دیپلماسی و سیاسی اسرائیل را نشان می دهد. بعد از هفتم اکتبر از لحاظ میدانی نیز شاهد تغییراتی بوده ایم.

در این خصوص مسائل مختلفی مطرح می شد. مثلا می گفتند اسرائیل قابل تسخیر نیست ولی

ما در میدان هفتم اکتبر شاهد بودیم که رژیم چگونه به طور مقتضی توسط مجاهدین ما غافلگیر شد. به عبارت دیگر، در مدت حداکثر چهار ساعت، مجاهدین ما موفق شدند که لشکر خیلی بزرگ ارتش رژیم را تخریب کنند. به همین علت، امروز لشکری به نام غزه در ارتش رژیم صهیونیستی وجود ندارد. در روز هفتم اکتبر، دشمن اصلا متوجه نشد چه اتفاقی افتاده است. این درحالی است که پیش از آن علائم و اشاره های بسیاری دراین خصوص مطرح شده بود. برای نمونه، شهید یحیی سنوار در یکی از سخنرانی های خود به طور صریح از وقوع یک طوفان حرف زده بود. به این ترتیب،

برنامه حماس برای ادامه مدیریت غزه

ما واقعا با شرایط متفاوتی روبه رو هستیم که مطابق مسائل روابط بین الملل یا علوم سیاسی نیست. لازم به یادآوری است که ما سال ۲۰۰۶ سراغ انتخابات و به قول غربی های متناق سراغ دموکراسی رفتیم و پیروز شدیم. ولی حتی یک روز اجازه مدیریت غزه و فلسطین را ندادند اما مردم ما را انتخاب کرده بودند. این درحالی بود که آقای کارتر، رئیس جمهور سابق آمریکا، آنجا حضور داشت و گفت که شفاف ترین و معتبرترین انتخابات برگزار و حماس پیروز شد. البته بعد گفتند این دموکراسی نیست و حماس نباید در دولت باشد. در سال های بعد از آن یعنی سال ۲۰۱۱ شهید اسماعیل هنیه استعفا داد اما او محبوب ترین شخصیت در سطح فلسطینی ها چه در کرانه باختری و چه در غزه بود. درواقع، چنین مسائلی را تجربه کرده ایم و اکنون با سازمان ها و جنبش های مقاومت

برش

